

بین منطقه‌گرایی؛ کنش‌گران و سطح همکاری‌های امنیتی در روابط بین‌الملل

امید آسیابان^{*۱}

احمد بخشی^۲

حسین فرزانه‌پور^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۶/۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۹/۲۸

۸۵



DOI:10.22124/wp.2021.20474.2899

فصلنامه علمی سیاست جهانی، دوره دوم، شماره دوم، زمستان ۱۴۰۰، شماره ۸۸، صفحات: ۴۱۱-۵۷

چکیده

بین منطقه‌گرایی به‌عنوان یکی از حوزه‌های مطالعاتی جدید در رشته روابط بین‌الملل محسوب می‌شود. اگرچه این حوزه مطالعاتی جدید محسوب می‌شود، اما با مطالعه تاریخ تکوین این حوزه می‌توان دریافت که بین منطقه‌گرایی در عرصه بین‌المللی یکی از متغیرهای تأثیرگذار بر روندهای همکاری و منطقه‌گرایی در حوزه‌های متنوع بوده است. پرسش مطرح شده در این پژوهش این است که وضعیت بین منطقه‌گرایی چه تأثیراتی بر همکاری‌ها و رقابت‌ها در حوزه امنیت بین‌الملل گذاشته است؟ در این پژوهش تلاش می‌شود که تأثیرگذاری این حوزه مطالعاتی بر دو شاخص همکاری و رقابت‌های امنیتی در عرصه بین‌المللی مورد بررسی قرار بگیرد. روش پژوهش در گام اول فرضیه‌ای بر پایه استنتاج قیاسی ارائه می‌شود و در گام دوم با استفاده از داده‌های تجربی تلاش می‌شود تا با استفاده از این داده‌ها، فرضیه راستی‌آزمایی شود. مطابق فرضیه پژوهش بین منطقه‌گرایی با تأثیرگذاری بر روندهای منطقه‌ای منجر به شکل‌گیری شبکه‌ای از مناطق شده است که این شبکه‌ها در حوزه‌های امنیتی به یکدیگر متصل شده‌اند. طبق یافته‌های پژوهش به نظر می‌رسد که روابط امنیتی بین منطقه‌ای میان کنش‌گران به‌صورت پیوندهای نامتقارن شکل می‌گیرند و برخی از کنش‌گران بین‌المللی مانند اتحادیه اروپا، ایالات متحده آمریکا و چین به دلیل وجود نوعی منطق اهداکننده-گیرنده در روابط بین منطقه‌ای و همچنین توانایی‌های مالی و نهادی پیشرفته‌تر، از موقعیت شبکه‌ای غالب‌تری نسبت به اتحادیه آفریقا و سایر کنش‌گران در حال توسعه در سیستم بین‌الملل برخوردار هستند.

واژگان کلیدی: بین منطقه‌گرایی، همکاری، رقابت، سطح همکاری، کنش‌گران امنیتی.

۱. دانش‌آموخته دکتری تخصصی روابط بین‌الملل، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

* نویسنده مسئول: omid.asiaban@ut.ac.ir

۲ و ۳. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران.

مقدمه

بسیاری از متغیرها در عرصه بین‌المللی در حالت‌های وضعیتی و فرایندی قرار دارند. متغیرهایی مانند بین منطقه‌گرایی به‌عنوان متغیرهای علی و تأثیرگذار می‌توانند در حالت‌های وضعیتی و یا فرایندی از نقطه نظر مقوله‌های مهم مانند امنیت مورد توجه قرار بگیرند. برای دریافت این مسأله می‌بایست به روند تکوین و شکل‌گیری این متغیر مهم بین‌المللی توجه کرد. بر اساس معیار زمانی، میان «بین منطقه‌گرایی کلاسیک»^۱ در دوره جنگ سرد و «بین منطقه‌گرایی جدید»^۲ متمرکز بر دوره پس از جنگ سرد تفاوت‌هایی وجود دارد. اما به لحاظ تاریخی، نقطه عطف شکل‌گیری این متغیر از اولین کنوانسیون یائونده^۳ در سال ۱۹۶۳ میان جامعه اروپا و کشورهای وابسته آفریقا و ماداگاسکار قابل شناسایی است. اما بعدها نقش جامعه اروپا و پس از آن اتحادیه اروپا در گسترش پیوندهای بین منطقه‌ای در روابط بین‌الملل بسیار مهم بوده است. از اواسط دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ گفتگوهای گروه به گروه، یک دوره رشد چشمگیر را تجربه کرد. رابطه میان بین منطقه‌گرایی و امنیت تا سال‌های پایانی جنگ سرد نامشخص و بسیار کمرنگ بود و سایه سنگین دو ابر قدرت در دوره جنگ سرد اجازه تعامل پویا به این دو متغیر نمی‌داد.

پس از پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ تا حدودی مناطق مستقل شدند و امکان برقراری ارتباط میان مناطق ایجاد شد. در این رابطه برخی به نشست آسیا - اروپا^۴ اشاره می‌کنند که در سال ۱۹۹۶ پایه‌ریزی شد و از آن به‌عنوان نمونه اولیه بین منطقه‌گرایی جدید یاد می‌شود. با حملات ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۰۱ به افغانستان و سال ۲۰۰۳ به عراق به دلیل تمرکز قدرت در سیستم تک قطبی، شاهد روند کاهشی بین منطقه‌گرایی نوین در دوره یکجانبه‌گرایی ایالات متحده آمریکا بودیم. اما تغییر سیستم بین‌المللی از سلطه کوتاه مدت تک قطبی ایالات متحده آمریکا به

1. old interregionalism

2. new interregionalism

۳. اولین توافق نامه همکاری بین اتحادیه اروپا و ۱۸ مستعمره سابق آفریقا که اخیراً استقلال یافته اند، در ۲۰ ژوئیه

۱۹۶۳ در یائونده امضا شد و از ۱ ژوئن ۱۹۶۴ لازم الاجرا شد. این معاهده عمدتاً براساس معاهده قبلی بین اتحادیه

اروپا و سرزمین‌های خارج از کشور آن بود و مدت اعتبار آن ۵ سال بود (Yaoundé Convention).

4. ASEM

شرایطی از قدرت نسبی در ابعاد اجباری و مادی باعث شد که برتری سیاسی و اقتصادی ایالات متحده به صورت بنیادین به چالش کشیده شود. در سیستم بین‌الملل چند قطبی، بسیاری از اختیارات توسط یک قطب قدرت داده نمی‌شود و مشروعیت نظم مستقر به طور متداوم مورد مناقشه قرار می‌گیرد و در نتیجه روایت‌های مختلف از نظم مطلوب با یکدیگر رقابت می‌کنند. وضعیت جهانی مباحث جدیدی درباره اولویت‌های ملی و ابزار دستیابی به آن‌ها مطرح می‌کند. در این محیط در حال تغییر اروپا در تلاش برای یافتن موقعیت و نقش نسبتاً مستقل (به ویژه از ایالات متحده آمریکا) خود است. در واقع خطوط یک جهان «پسا آمریکایی»^۱ به صورت کامل مشخص نیست. در شرایط کنونی رشد چشمگیر اقتصاد کشورهای در حال توسعه باعث شده است که موقعیت آن‌ها در شورای جدید حاکمیت اقتصادی جهانی گروه بیست^۲ تضمین شود. اما با وجود این، پیش‌بینی تغییرات کلان در توزیع قدرت بین‌المللی در سایر ابعاد دشوارتر است.

هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه میان بین منطقه‌گرایی معاصر با کنش‌گران، اشکال و سطح همکاری‌های امنیتی در عرصه بین‌المللی است. روش این پژوهش مبتنی بر دو گام است. در گام اول فرضیه‌ای بر پایه استنتاج قیاسی ارائه می‌شود و در گام دوم با استفاده از داده‌های تجربی تلاش می‌شود تا با استفاده از این داده‌ها، فرضیه راستی‌آزمایی شود. اما پرسش اصلی این است که با تغییرات ایجاد شده در ساختار اقتصادی بین‌الملل و شکل‌گیری سیستم بین‌المللی چندمحوری تحت تأثیر روندهای جاری اقتصادی، سیاسی و تکنولوژیک در مناطق شرق و جنوب شرق آسیا، اروپا و آمریکای شمالی و جنوبی، وضعیت بین منطقه‌گرایی چه تأثیراتی بر همکاری‌ها و رقابت‌ها در حوزه امنیت بین‌الملل گذاشته است؟

بدون شک این تغییرات در گستره ژئواستراتژیک منجر به تغییراتی شده است که با چند جانبه‌گرایی و دوجانبه‌گرایی در قالب بین منطقه‌گرایی جدید همراه است. محیط جدید بین‌المللی تحت تأثیر روند بین منطقه‌گرایی دچار تحولات ژرف در ابعاد سیاسی و امنیتی شده است. بین منطقه‌گرایی با تأثیرگذاری بر روندهای منطقه‌ای منجر به شکل‌گیری شبکه‌ای از مناطق به هم پیوسته در گستره ژئواستراتژیک شده است که این

1 . post-American

2 . Group of ۲۰ (G۲۰)

شبکه عظیم در حوزه‌های امنیتی به یکدیگر متصل شده‌اند و شاهد شکل‌گیری وضعیت بین منطقه‌ای در ابعاد رقابتی و همکاری هستیم. در بسیاری از مناطق تحت تأثیر شبکه‌های بین منطقه‌ای با یکدیگر در حوزه امنیت تداخل ساختاری یافته‌اند. بنابراین تحت تأثیر متغیر علی بین منطقه‌گرایی جدید مناطق پویا شده‌اند و به دنبال آن بسیاری از پارامترهای امنیتی نیز تحت تأثیر رقابت‌ها و همکاری‌های بین‌المللی قرار گرفته‌اند.

۱. پیشینه‌شناسی پژوهش

هانگی^۱ (۲۰۰۰) در مقاله‌ای با عنوان: «بین منطقه‌گرایی: چشم‌اندازهای تجربی و نظری»^۲ به بررسی متغیر بین‌المللی بین منطقه‌گرایی از دیدگاه‌های تجربی و همچنین نظری پرداخته است. وی معتقد است که در طی دهه گذشته، بین منطقه‌گرایی به یکی از ویژگی‌های ماندگار سیستم بین‌الملل تبدیل شده است. بنابراین، انتظار می‌رود که مجموعه‌ای گسترده از اشکال و انواع بین منطقه‌گرایی در قالب همکاری‌ها به همزیستی خود ادامه دهند، در نتیجه این متغیر، سیستم چند لایه در حال ظهور حاکمیت جهانی را غنی‌تر (و پیچیده‌تر) می‌کند.

رولاند^۳ و دیگران (۲۰۱۴) در کتابی با عنوان: «بین منطقه‌گرایی و روابط بین‌الملل احیای مجدد یک برنامه تحقیقاتی منسوخ؟»^۴ معتقدند که بین منطقه‌گرایی، روابط نهادینه شده بین مناطق جهان، پدیده‌ای جدید در روابط بین‌الملل است. همچنین این یک لایه جدید از توسعه در نظم جهانی است که به طور فزاینده‌ای متفاوت می‌شود. در این کتاب نظر بر این است که اگرچه مطالعات بین منطقه‌گرایی در حال حاضر با بن بست مواجه شده است، اما نویسنده معتقد است که هنوز فضای نوآوری وجود دارد.

برت و دیگران (۲۰۱۴) در کتابی با عنوان: «مقدمه؛ تقاطع بین منطقه‌گرایی در تقاطع بین منطقه‌گرایی؛ حکمرانی جهانی و اتحادیه اروپا»^۵ مقدماتی با شرح نقاط ضعف در مطالعه بین منطقه‌گرایی ارائه کرده‌اند. هدف از ارائه این کتاب کمک به تأمل نظری و

1. Hänggi
2. Interregionalism: empirical and theoretical perspectives
3. Rüländ
4. Interregionalism and international relations: reanimating an obsolescent research agenda?
5. Intersecting interregionalism. Global Governance and the EU

درک بهتر تنوع استراتژی‌های نهادی و عوامل محرک درگیر در بین منطقه‌گرایی است. نویسنده در فصلی از کتاب روابط بین منطقه‌ای را از چشم‌انداز مطالعات امنیتی بررسی کرده است. در این فصل تلاش شده است تا مطالعات امنیتی را در چارچوب نظریه‌های جامعه امنیتی، مجموعه‌های امنیتی و نظم‌های منطقه‌ای را بررسی شوند. اما نویسنده در نهایت نتوانسته است وضعیت بین منطقه‌گرایی را جدا از این نظریات کلاسیک مورد بررسی قرار دهد.

حسینی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان: «نقش منطقه‌گرایی در حفظ صلح و امنیت منطقه‌ای: با تأکید بر نقش سازمان همکاری اسلامی در منطقه خاورمیانه» بر این باور است که فرایند منطقه‌ای شدن واکنشی به عدم توانایی الگوی دولت-ملت در دستیابی به نتایج مطلوب بوده که به تحدید حاکمیت می‌پردازد. وی با استناد بر فصل هشتم منشور ملل متحد بر نقش موثر ترتیبات منطقه‌ای در حفظ صلح و امنیت منطقه‌ای و حل اختلافات محلی از طریق این ترتیبات اشاره دارد. نویسنده در این مقاله صرفاً بر ترتیبات درون منطقه‌ای تأکید می‌کند و معتقد است که می‌توان از طریق همکاری‌های امنیتی منطقه‌ای به صلح و امنیت دست یافت.

مصفا و نوروزی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان: «مدیریت محیط امنیتی و افق منطقه‌گرایی در سارک» به اتحادیه جنوب آسیا برای همکاری منطقه‌ای میان کشورهای جنوب آسیا پرداخته‌اند. نویسندگان در این نوشتار به دنبال کشف علل ضعف و ناپایداری این اتحادیه پس از سال ۱۹۹۰ هستند و معتقدند که دلایلی مانند پوشش‌های ملی ناهمساز کشورهای منطقه پس از جنگ سرد، الحاق افغانستان به سارک (از ۲۰۰۷) و رویکرد قدرت‌های بزرگ به منطقه، عقلانیت و عملکرد این سازمان را تحت‌الشعاع خود قرار داده است. به نظر می‌رسد در این مقاله نیز به همکاری‌های امنیتی در چارچوب منطقه‌گرایی و پوشش‌های درون منطقه‌ای توجه شده است.

۲. مبانی نظری پژوهش

در همین اواخر شبکه‌ها به‌طور معمول در روابط بین‌الملل به‌عنوان نوعی ابزار سازمان‌دهی مورد توجه قرار گرفته‌اند که اقدامات جمعی و همکاری‌ها را تسهیل می‌کند

و یا این شبکه‌ها به‌عنوان ابزاری برای حکمرانی بین‌المللی عمل می‌کنند. اما در بیشتر پژوهش‌ها از شبکه‌ها به‌عنوان ساختارهایی که می‌توانند عوامل فردی را محدود کرده و آنها را قادر به تأثیرگذاری بر نتایج بین‌المللی کنند، غفلت شده است. پژوهش‌ها به جای تأثیر ساختارهای شبکه بر کنش‌گران و نتایج درون آن شبکه‌ها، بر تأثیر شبکه‌ها متمرکز شده‌اند (Hafner-Burton et al, 2009: 560- 561). بنابراین تجزیه و تحلیل شبکه به دنبال شناسایی الگوهای روابط اجتماعی مانند کانون‌ها، دسته‌ها، واسطه‌ها و پیوند دادن این روابط با ظرفیت‌های کنش‌گر و نتایج سیاست است. این کار را با نقشه‌برداری و اندازه‌گیری روابط و اختلافات بین گره‌ها^۱ و یا سایر عناصر آن انجام می‌دهند. ویژگی‌های گره‌های خاص، بیشتر از ارتباط میان آن‌ها مورد توجه تحلیل‌گران شبکه قرار می‌گیرد. تجزیه و تحلیل شبکه نشان می‌دهد که گره‌ها و رفتارهای آنها به‌طور متقابل وابسته به هم هستند. روابط میان آنها می‌تواند کانال‌های انتقال منابع مادی (نیروی انسانی، تسلیحات، پول و غیره) و منابع معنایی (اطلاعات، ایده‌ها، هنجارها و غیره) باشد. الگوهای پیوسته ارتباط میان گره‌ها ساختارهایی ایجاد می‌کنند که این ساختارها می‌توانند رفتارهای گره‌ها را تعریف، فعال یا محدود کنند.

تجزیه و تحلیل شبکه را می‌توان در مورد دولت‌ها و مناطق سیستم بین‌المللی اعمال کرد و علاوه بر این در بین منطقه‌گرایی جدید بر روابط شبکه‌ای و نهادینه شده میان مناطق جهان تأکید می‌شود (Hänggi et al, 2006:3). طبق این تعریف می‌توان با استفاده از تجزیه و تحلیل شبکه‌ای، الگوهای فعل و انفعالات دولت‌ها در یک سازوکار بین منطقه‌ای و روابط میان مناطق را ارزیابی کرد. در اولین مورد تجزیه و تحلیل شبکه، موقعیت دولت‌های عضو در یک فضای گفتگو مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و سپس اطلاعات بیشتری در مورد ساختار داخلی گفتگوهای بین منطقه‌ای فراهم می‌شود.

در این پژوهش تلاش می‌شود تا از این چارچوب جدید به منظور تبیین الگوهای جدید همکاری‌های امنیتی میان کنش‌گران سیستم بین‌المللی استفاده شود. با کاربست مدل نظری شبکه‌های بین منطقه‌ای جدید، پیچیدگی‌ها و روابط در هم تنیده کنش‌گران در گستره واقعی سیستم بین‌المللی برای خوانندگان واضح و شفاف به تصویر کشیده می‌-

1. nodes

شود. برای این منظور از مفاهیم نظری مانند کانون، گره و پیوندها برای تشریح کنش‌گران غالب و کانونی در روابط امنیتی بین منطقه‌ای استفاده می‌شود و تعاملات بین منطقه‌ای در عالم واقع از این طریق مورد تبیین قرار می‌گیرد.

۳. پارامترهای امنیتی تحت‌تأثیر بین منطقه‌گرایی (سازمان‌های چندجانبه بین منطقه‌ای)

تجزیه و تحلیل نقشی که سازمان‌های چندجانبه^۱ بین منطقه‌ای در امنیت بین‌المللی ایفا می‌کنند از مدت‌ها پیش موضوعی بوده است که اندیشمندان و سیاستمداران را به خود مشغول کرده است. به طور معمول روابط میان این سازمان‌های چندجانبه بین منطقه‌ای، یا به اصطلاح «روابط بین سازمانی»^۲ به ندرت به عنوان یک موضوع مورد مطالعه مهم در نظر گرفته می‌شود. باوجود این، طی سال‌های اخیر روند مشخصی وجود دارد که سازمان‌های چندجانبه بر روابط خود با یکدیگر تأکید می‌کنند. سیاستمداران از حکمرانی امنیت «شبکه‌ای»^۳ صحبت می‌کنند و اندیشمندان از مفاهیمی مانند «همپوشانی»^۴ «سازمانی»، «در هم تنیدگی»^۵ یا «تعامل»^۶ در توصیف چندجانبه‌گرایی در امنیت بین‌الملل بهره می‌برند. ناگفته نماند که نگرانی سنتی رشته روابط بین‌الملل تحلیل روابط میان دولت‌ها بوده است. اما با ظهور روند بین منطقه‌گرایی جدید شاهد شکل‌گیری یک سطح تحلیل جامع‌تر از بین‌الملل‌گرایی، منطقه‌محوری و دولت‌محوری هستیم. به نظر می‌رسد که بین منطقه‌گرایی به عنوان یک سطح تحلیل جدید و کارآمد برای مسائل امنیتی، ضمن پوشش سطح تحلیل‌های کلاسیک مانند دولت‌محوری، منطقه‌محوری و بین‌الملل‌محوری محسوب می‌شود و در شرایط کنونی با تمرکز بر سازوکارهای سازمان‌های چندجانبه بین منطقه‌ای می‌تواند زاویه دید جدیدی برای تحلیل مسائل امنیتی فراهم کند.

در حالی که بسیاری از نظریه‌ها و ابزارها برای مطالعه روابط بین سازمانی در شرایط بین منطقه‌ای وجود دارند، اکثر این ابزارها درباره‌ی عامل اساسی دیالکتیک همکاری-

1. multilateral organizations (MO)
2. inter-organizational relations
3. networked" security governance
4. overlap
5. nesting
6. interplay

رقابت در این روابط بین منطقه‌ای اتفاق نظر دارند. خواست هم‌زمان سازمان‌های چندجانبه بین منطقه‌ای برای خودمختاری^۱ (استقلال) و تعامل (وابستگی متقابل)^۲ است. در پژوهش‌های روابط بین‌الملل در مورد روابط بین دولتی - به استثنای افراطی‌ترین مواضع واقع‌گرایانه یا لیبرال - پژوهش‌گران تمایل دارند این عقیده را مطرح کنند که در بیشتر این روابط عناصر همکاری و رقابت وجود دارد. نوعی دیالکتیک میان همکاری و رقابت است و عامل ایجاد یک رابطه خاص میان کنش‌گران است. این دیدگاه در مورد روابط بین‌سازمانی و بین منطقه‌ای نیز کاربردی است (Biermann & Pattberg, 2008: 155).

۴. همکاری و رقابت: کنش‌گران و سطوح روابط امنیتی سازمانی بین منطقه‌ای

تهیه اطلس از روابط میان کنش‌گران امنیتی بین منطقه‌ای از جهات مختلف، از جمله معیارهای دسته‌بندی، تماس‌های متعدد میان این سازمان‌ها و چگونگی ارزیابی سطح همکاری آنها امری چالش برانگیز محسوب می‌شود. مشاهده تجربی روابط سازمانی بین منطقه‌ای از پذیرش دو متغیر دعوت به عمل می‌آورد و این دو متغیر از اولویت‌های امنیتی در دستور کارهای^۳ بین‌سازمانی تشکیل می‌شود. بر اساس تحلیل رولند (۲۰۱۴) و تمرکز بر روابط امنیتی بین کنش‌گران مختلف بین‌المللی، در این بخش از پژوهش؛ همکاری‌های امنیتی در چهار نوع روابط امنیتی شامل حداقل یک سازمان منطقه‌ای دسته‌بندی می‌شود. نوع اول به روابط بین منطقه‌ای دو سازمان منطقه‌ای اشاره می‌شود. در اینجا ما سازمان‌های منطقه‌ای مبتنی بر مناطق بزرگ را در نظر می‌گیریم و عضویت آنها اکثر دولت‌های آن منطقه را در بر می‌گیرد. نوع دوم شامل روابط امنیتی بین‌سازمانی میان یک سازمان منطقه‌ای بزرگ و یک سازمان فرامنطقه‌ای می‌شود. نوع سوم روابط سازمان‌ها و گروه‌های دولتی منطقه‌ای را در بر می‌گیرد و این ممکن است شامل شکل‌ها به جای سازمان‌های رسمی باشد. سرانجام همکاری بین سازمان‌های منطقه‌ای و قدرت‌های خاص وجود دارد. روند کلی این است که سازمان‌های منطقه‌ای نهادینه شده

1. independence
2. interdependence
3. agendas

ظرفیت بالاتری برای توسعه و تداوم روابط امنیتی جامع خواهند داشت (Rüland, 2014).

دومین بعد قابل توجه تجزیه و تحلیل، سطح همکاری امنیتی است. در این راستا همکاری‌های امنیتی در چهار سطح متفاوت است. نخست روابط اندک بین منطقه‌ای^۱ است که در آن تعاملات محدود به توافق نامه‌های کم عمق یا بیانیه‌های کلی و بدون توسعه نهادها یا سیاست‌های نهادی است. دسته دوم همکاری اولیه، شامل روابط بین منطقه‌ای است که در آن همکاری‌های امنیتی مبادله منظم اطلاعاتی را که در چارچوب اجلاس‌های بزرگتر دو منطقه‌ای^۲ برنامه‌ریزی شده است را ایجاد می‌کند (اهداف گسترده‌ای تعیین شده است)، اما هیچ مدرکی در مورد توسعه سیاست‌های امنیتی دو منطقه‌ای وجود ندارد. دسته سوم همکاری نهادی است، جایی که سازوکارهای دوره‌ای گفتگو در مورد مسائل امنیتی ایجاد شده و در برخی موارد مأموریت‌های دیپلماتیک دائمی ایجاد شده است. دسته چهارم، همکاری پیشرفته، شامل تماس‌های سازمانی بین منطقه‌ای است که سازوکارهای نهادی را برای برگزاری جلسات منظم دوره‌ای برای محل تبادل اطلاعات، تولید برخی سیاست‌های امنیتی و همچنین منابع اختصاص یافته برای همکاری ایجاد کرده است (Baert, Scaramagli, & Söderbaum, 2014: 43-45). با توجه به این ابعاد باید به این نکته اشاره کرد که روند بین منطقه‌گرایی جدید و شکل‌گیری شبکه‌های بین منطقه‌ای تأثیرات فراوانی بر مقوله امنیت بین‌المللی گذاشته است. به عبارت دیگر افزایش ارتباطات بین‌المللی در وضعیت بین منطقه‌ای جدید از یکسو و افزایش کنش‌گران دولتی در اشکال سازمان‌های بین‌المللی دولتی بین منطقه‌ای از سوی دیگر توانسته است بر مقوله امنیت بین‌المللی به صورت مستقیم و غیر مستقیم تأثیر بگذارد. یکی از این تأثیرات مهم افزایش هم‌افزایی در مقوله امنیت است. به این معنا که پیچیدگی‌های محیط ناشی از ارتباطات گسترده در وضعیت بین منطقه‌گرایی جدید تحت تأثیر افزایش چگالی ارتباطات مقوله امنیت فردی را در گرو افزایش همکاری‌ها و استحکام امنیت جمعی قرار داده است. بنابراین این تفاوتی است که در موج بین منطقه‌گرایی جدید شاهد آن هستیم و تفاوت‌هایی با بین منطقه‌گرایی کلاسیک

1. nominal inter-regional relations
2. bi-regional

به لحاظ میزان چگالی هم‌افزایی و برون‌گرایی دارد. در بین منطقه‌گرایی کلاسیک مقوله امنیت درون‌زا بود و نیازی به هم‌فزایی به منظور تامین امنیت بیشتر توسط کنش‌گران نبود. علاوه بر این در وضعیت بین منطقه‌ای کلاسیک بسیاری از کنش‌گران در سطح دولت‌های منفرد کنش‌گری صورت می‌گرفت و سهم کنش‌گری سازمان‌ها و اتحادیه‌های بین منطقه‌ای بسیار اندک بود.

جدول ۱. طبقه‌بندی کنش‌گران بین منطقه‌ای

| | |
|--|---|
| سازمان کشورهای آمریکایی ^۱ - اتحادیه آفریقا ^۲ | سازمان منطقه‌ای - سازمان منطقه‌ای |
| اتحادیه اروپا - اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا | |
| اتحادیه اروپا - اتحادیه آفریقا | |
| ناتو - اتحادیه اروپا | |
| ناتو - سازمان امنیتی و همکاری اروپا ^۳ | سازمان منطقه‌ای - سازمان منطقه‌ای زیرمجموعه ^۵ |
| اتحادیه کشورهای امریکای جنوبی ^۴ - اتحادیه اروپا | |
| نظام همگرایی آمریکای مرکزی ^۶ - اتحادیه اروپا | |
| جامعه کارائیب ^۷ - اتحادیه اروپا | |
| جامعه اقتصادی کشورهای غرب آفریقا ^۸ - اتحادیه اروپا | |
| شورای همکاری خلیج ^۹ فارس - آسه‌آن | |
| آسه‌آن به اضافه سه (ژاپن، کره جنوبی، چین) ^۱ | |

1. OAS
2. AU
3. OSCE
4. UNASUR
5. Subregional Organization
6. SICA
7. CARICOM
8. ECOWAS
9. GCC

| | |
|--|----------------------------------|
| اتحادیه اروپا- آسیا | سازمان منطقه‌ای- گروهی از کشورها |
| جامعه آمریکای لاتین و کارائیب ^۲ - اتحادیه اروپا | |
| آسه‌آن- سازمان همکاری اقتصادی ^۳ | |
| سازمان همکاری شانگهای ^۴ - پیمان امنیت جمعی ^۵ | |
| سازمان همکاری شانگهای- اتحادیه اقتصادی اوراسیا ^۶ | |
| جامعه آمریکای لاتین و کارائیب- آسه آن | |
| آسه‌آن- اتحاد پاسیفیک ^۷ | |
| اتحادیه آفریقا- ایالات متحده آمریکا | سازمان منطقه‌ای- کشور |
| اتحادیه آفریقا- جمهوری خلق چین | |
| آسه‌آن- ایالات متحده آمریکا | |
| آسه‌آن- جمهوری خلق چین | |

جدول ۲. همکاری‌های امنیتی بین منطقه‌ای

| ویژگی‌ها | سطح همکاری |
|--|------------|
| ۱- تماس‌های پراکنده؛ | اندک |
| ۲- جلسات در حاشیه، جلسات بزرگتر؛ | |
| ۳- تفاهم نامه، اما هیچ سازوکار منظمی ندارد. | |
| ۱- نقش محدود امنیت؛ | اولیه |
| ۲- بحث‌های گسترده امنیتی در اجلاس‌های جامع‌تر. | |
| ۱- ایجاد پست؛ | نهادینه |
| ۲- جلسات منظم؛ | |
| ۳- گفتگوهای مداوم. | |

1. ASEAN Plus Three
2. CELAC
3. ECO
4. SCO
5. CSTO
6. EEU
7. Pacific Alliance

| | |
|-------------------------------------|---------|
| ۱- همکاری در سیاست گذاری؛ | پیشرفته |
| ۲- اجرای مشترک سیاست‌ها؛ | |
| ۳- تخصیص منابع انسانی و یا اقتصادی. | |

۱-۴. روابط امنیتی سازمان منطقه‌ای - سازمان منطقه‌ای

این بخش از پژوهش روابط امنیتی میان سازمان‌های رسمی منطقه‌ای را مطرح می‌کند که شامل عضویت گسترده در یک منطقه جغرافیایی می‌شود و بر اتحادیه اروپا، آسه آن، ناتو، سازمان امنیت و همکاری اروپا و سازمان کشورهای آمریکایی متمرکز است. در رابطه با روابط اتحادیه آفریقا- سازمان کشورهای آمریکایی سطح اسمی همکاری امنیتی مشاهده می‌شود. هر دو سازمان در سال ۲۰۰۹ یک تفاهم‌نامه امضا کردند و تبادل اطلاعات را در زمینه‌های حقوق بشر، مشاهده انتخابات و موضوعات مربوط به به دموکراسی انجام داده‌اند (OAS, 2016). بخشی از آن به دلیل تراکم اندک روابط و بخشی به دلیل اینکه هر دو سازمان منطقه‌ای به کشورهای در حال توسعه تعلق دارند، دارای پیوندهای بین منطقه‌ای کاملاً متقارن هستند و انتقال منابع، ظرفیت‌ها، دانش و غیره در آن اندک است. در موارد همکاری پیشرفته و نهادی، به ترتیب مهمترین روابط امنیتی بین سازمانی میان ناتو و اتحادیه اروپا، ناتو و سازمان امنیت و همکاری اروپا وجود دارد. با این وجود به دلیل همپوشانی جغرافیایی میان آنها، جای بحث دارد که آیا این موارد بین منطقه‌گرایی است یا درون منطقه‌ای محسوب می‌شود. روابط ناتو با سازمان امنیت و همکاری اروپا را می‌توان به طور کلی به عنوان مکمل عملی تعریف کرد. پیوندها و گفتگوهای میان دو سازمان در اصطلاح وسیع و گسترده است (از جمله تروریسم و سایر چالش‌های امنیتی نوظهور) و در چندین سطح صورت می‌گیرد. آنها از طریق دبیرکل و با داشتن نمایندگی متقابل در جلسات مناسب و گفتگوهای سالانه سطح کارکنان در مورد موضوعات مربوطه، تماس‌های منظم برقرار می‌کنند. مهمتر از همه آنها وظایف یکدیگر را در بالکان غربی - در بوسنی و هرزگوین با یک برنامه اقدام مشترک (۱۹۹۶)، در کوزوو (از سال ۱۹۹۹) و در جمهوری یوگسلاوی سابق مقدونیه (۲۰۰۰) محلی که ناتو فراهم کرده است، تکمیل می‌کنند (NATO, 2016).

در مورد روابط ناتو - اتحادیه اروپا با توجه به همپوشانی قابل توجه عضویت (۲۲ عضو)، یکی از اهداف اصلی به حداقل رساندن تکرار و به حداکثر رساندن مقرون به صرفه بودن است (Nato, 2016). از طریق توافق‌نامه «برلین پلاس»^۱ ۲۰۰۳ با اعطای دسترسی اتحادیه اروپا به برخی از برنامه‌های ناتو، گزینه‌های فرماندهی اروپا و دارایی‌ها و توانایی‌های نظامی در عملیات مدیریت بحران، شاهد عمیق‌تر شدن همکاری‌ها هستیم. این توافق‌نامه در جریان عملیات کنکور دیا^۲ به رهبری اتحادیه اروپا (۲۰۰۳) جمهوری مقدونیه یوگسلاوی سابق) و عملیات آلتئا^۳ در بوسنی هرزگوین (۲۰۰۴) اجرایی شد. علاوه بر این اتحادیه اروپا و ناتو ترتیبات روابط نظامی دائمی را در قالب تیم ارتباط دائمی ناتو در ستاد نظامی اتحادیه اروپا،^۴ مرکز اتحادیه اروپا در فرماندهی استراتژیک ناتو برای عملیات در مونس، بلژیک و همچنین گروه ضربت ناتو - اتحادیه اروپا را ایجاد کرده‌اند. همه این‌ها نشان می‌دهد که همکاری‌های امنیتی بین سازمانی اتحادیه اروپا و ناتو به درجه پیشرفته‌ای از نهادسازی رسیده است که این روابط عمیق، چند لایه، با سابقه و متقارن است. در مقابل همکاری ناتو و اتحادیه آفریقا تا حد زیادی نامتقارن است، اگرچه می‌توان آن را در سطوح همکاری نهادینه دسته‌بندی کرد. ناتو یک فرماندهی ارشد ارتباط نظامی در آدیس آبابا^۵ دارد و فعالیت‌های مشترک از سال ۲۰۰۵ تاکنون ادامه داشته است. ناتو با پشتیبانی از مأموریت‌های مختلف (مأموریت اتحادیه آفریقا در سودان^۶ در دارفور، ۲۰۰۵-۲۰۰۷؛ مأموریت اتحادیه آفریقا در سومالی در سومالی)^۷ از طریق پیشرفت‌های راهبردی در هوا و دریا، پشتیبانی برنامه‌ریزی ارتباطات، خروجی خود را با اتحادیه اروپا حفظ می‌کند. همچنین آموزش کارکنان و با ارائه پشتیبانی و ظرفیت‌سازی برای توسعه نیروی آماده به کار آفریقایی توسط ناتو صورت می‌گیرد. علاوه بر این، متخصصان ناتو به بخش پشتیبانی و برنامه‌ریزی برای پشتیبانی از

1. Berlin Plus
2. Operation Concordia
3. Operation Althea
4. SHAPE
5. Addis Ababa
6. AMIS
7. AMISON

صلح پیشنهاد داده‌اند. با این حال، طبق درخواست اتحادیه آفریقا همه این فعالیت‌ها به صورت موردی صورت می‌گیرد (NATO, 2016).

روابط اتحادیه اروپا از یک سو و اتحادیه اروپا و آسه آن از سوی دیگر در سطح پیشرفته قرار دارد. همکاری امنیتی اتحادیه اروپا و اتحادیه آفریقا از مهمترین موارد در زمینه روابط بین سازمانی است. زمینه بی‌ثباتی و درگیری در آفریقا، اتحادیه آفریقا را وادار به توسعه مکانیزم‌های امنیتی خاص کرده است. توسعه نهادی اتحادیه آفریقا مبتنی بر راهبرد مشترک آفریقا و اتحادیه اروپا است که در سال ۲۰۰۷ تصویب شده است. از جمله اولین برنامه اقدام و به ویژه مشارکت در مورد صلح و امنیت؛ اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۸ نمایندگی خود را در اتحادیه آفریقا افتتاح کرد (نماینده اتحادیه اروپا در اتحادیه آفریقا، ۲۰۱۶). از سال ۲۰۱۶ ده عملیات از ۱۷ سیاست مشترک امنیتی و دفاعی اتحادیه اروپا^۱ در آفریقا و در مجاورت آن انجام شده است. ابزار اصلی مشارکت اتحادیه اروپا و اتحادیه آفریقا تأمین مالی معماری صلح و امنیت آفریقا و عملیات صلح آفریقا بوده است. از زمان تأسیس آن در سال ۲۰۰۴، صندوق توسعه اروپا با بیش از ۱.۶ میلیارد یورو با بیشترین سهم به مأموریت اتحادیه آفریقا در سومالی^۲ (۵۱۰ میلیون یورو برای سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۱۵) کمک کرده است. همچنین تسهیلات صلح آفریقا^۳ ۹۰۰ میلیون یورو برای ۲۰۱۴-۲۰۱۶ دریافت کرد. یک نمونه اخیر از نوع پشتیبانی ارائه شده توسط تسهیلات صلح آفریقا، تأمین مالی تلاش‌های میانجیگری جامعه شرق آفریقا در بوروندی^۴ است. اطلاعاتی مشترک مهم ۲۰۱۵ در مورد ظرفیت‌سازی برای امنیت و توسعه است - که بیشتر به آفریقا متمرکز است - همچنین گواه تنش‌های درون سازمانی پایدار و نهفته است (Tardy, 2016).

این یک مورد واضح‌تر از روابط نامتقارن بین منطقه‌ای است، جایی که اتحادیه اروپا بیشتر پیوندهای مبتنی بر خروجی ایجاد می‌کند. عدم تقارن در انتقال یک طرفه منابع، آموزش، فناوری و همچنین هنجارها، ارزش‌ها و قوانین آشکار است. از آنجا که اتحادیه

1. CSDP

2. African Union Mission to Somalia (AMISOM)

۳. تسهیلات صلح آفریقا (APF) مهمترین ابزار مالی اتحادیه اروپا است که از همکاری با آفریقا در زمینه صلح و

امنیت حمایت می‌کند که یکی از ارکان زیربنای روابط اتحادیه اروپا و اتحادیه آفریقا است.

4. Burundi

اروپا بیشتر منابع مادی و مدل‌های عقیدتی و نهادی را تولید می‌کند و اتحادیه آفریقا و سازمان‌های مختلف فرامنطقه‌ای آنها را دریافت می‌کنند و مسئول اجرای آنها هستند، این نوعی «تقسیم کار در حکمرانی جهانی»^۱ نامیده می‌شود. با این حال، بودجه از نظر ابعاد پوششی کافی نیست و تأثیر آن توسط ضعف‌های نهادی و مشکلات زمینه‌ای محدود می‌شود. در فوریه ۲۰۱۶، شورای صلح و امنیت اتحادیه آفریقا نگرانی عمیق خود را در مورد شکاف مالی ناشی از قطع بی‌موقع ۲۰ درصد بودجه اتحادیه اروپا به تسهیلات صلح آفریقا ابراز کرد. این امر به ویژه برای آموزش و تجهیزات نیروهای آفریقایی بسیار مضر بود؛ زیرا تا سال ۲۰۱۶ میلادی ۵۸ درصد از کل پرسنل مستقر در ۹ عملیات صلح به رهبری سازمان ملل در آفریقا تشکیل می‌شد (Tardy, 2016).

دستور کار امنیتی اتحادیه اروپا و آسه‌آن طیف گسترده‌ای از زمینه‌ها مانند مدیریت بلایا، امنیت دریایی، جرایم فراملی و مبارزه با تروریسم را شامل می‌شود. اگرچه اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۵ اولین سفیر خود را در آسه آن منصوب کرد، اما گفتگوی آسه آن - اتحادیه اروپا در سال ۱۹۷۷ برقرار شده بود. میان سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۲۰، اتحادیه اروپا ۱۷۰ میلیون یورو برای حمایت از ایجاد جامعه و ایجاد نهاد آسه‌آن در مسائل امنیتی اختصاص داده است. اتحادیه اروپا به دلیل اهمیت حیاتی اقتصادی و استراتژیک خود، از تلاش‌های مداوم آسه‌آن و چین برای توافق بر سر یک آیین‌نامه رفتاری^۲ در دریای جنوب چین حمایت کرده است. همچنین اتحادیه اروپا گفتگوهای سطح بالا اتحادیه اروپا و آسه آن در مورد امنیت دریایی (برگزار شده در سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۵) ارتقا داده است. این گفتگوها شامل موضوعاتی مانند دزدی دریایی، نظارت دریایی، امنیت بندر و مدیریت مشترک منابع می‌شود. مراکز عالی اتحادیه اروپا در زمینه کاهش خطر شیمیایی، بیولوژیکی، رادیولوژی و هسته‌ای^۳ یک شبکه منطقه‌ای در اطراف دبیرخانه آسه‌آن در مانیل^۴ ایجاد کرده است. اتحادیه اروپا علاوه بر تعهدات موجود خود از طریق

1. division of labour in global governance
2. Code of Conduct

۳. این مرکز ابتکاری از اتحادیه اروپا است که در سال ۲۰۱۰ راه اندازی شده است.

4. Manila

برنامه مارسیک،^۱ فعالیت‌های ایجاد ظرفیت را با آسه‌آن در زمینه امنیت دریایی (نظارت، امنیت بندر) بررسی می‌کند. به طور کلی، روابط بین منطقه‌ای اتحادیه اروپا و آسه‌آن متقارن نیست و نوعی انتقال منابع مادی و ارائه مدل‌های ایده‌آل در این روابط وجود دارد، اما این عدم تقارن به اندازه مورد اتحادیه آفریقا محسوس نیست (ASEAN, 2015).

۲-۴. روابط امنیتی سازمان منطقه‌ای - سازمان منطقه‌ای زیرمجموعه

طبقه‌بندی ارائه شده در صفحات قبل نشان می‌دهد که اتحادیه اروپا فعال‌ترین کنش‌گر در روابط سازمانی بین منطقه‌ای نهادینه شده در مقوله امنیت است. شبکه گسترده روابط اتحادیه اروپا همچنین شامل سازمان‌های با تعداد اعضای محدود در قالب سازمان‌های منطقه‌ای زیرمجموعه نیز است. یکی از ویژگی‌های سازمان‌های فرامنطقه‌ای این است که همسایگی فرهنگی و وابستگی متقابل معمولاً زمینه را برای ایجاد یک دستور کار مشترک ایجاد می‌کند. این امر اجازه می‌دهد که اتحادیه اروپا در اهداف خاص‌تر بر روی سازمان‌های زیر مجموعه‌ای تمرکز کند. روابط امنیتی بین سازمانی در سطح اسمی میان اتحادیه اروپا و اتحادیه کشورهای آمریکای جنوبی به ویژه در مورد همکاری‌ها در موضوع مبارزه با مواد مخدر صورت می‌گیرد. علاوه بر این در مارس ۲۰۱۶ اتحادیه کشورهای آمریکای جنوبی و اتحادیه اروپا جلساتی برای هماهنگی راهبردهای نشست‌های مقدماتی مجمع عمومی سازمان ملل برگزار کردند. با توجه به مبارزه با سازمان‌های بزرگ جنایی، اتحادیه کشورهای آمریکای جنوبی در حال بررسی اجرایی‌سازی آژانس قضایی - کیفری^۲ مطابق اساس‌نامه آژانس قضایی - کیفری اروپا^۳ است (UNASUR, 2016).

۱. هدف اصلی مارسیک تقویت ظرفیت کشورهای ساحلی منطقه‌ای (دولت‌های دریایی، نیروی انتظامی و گارد ساحلی) برای مقابله با دزدی دریایی و سرقت مسلحانه علیه کشتی‌ها و سایر تهدیدات امنیتی و امنیتی دریایی بود. این پروژه در سال ۲۰۱۵ بسته شده است (MARSIC).

2. UNAJUST

۳. بخشی زیرمجموعه اتحادیه اروپا است که با همکاری قضایی در امور کیفری در بین آژانس‌های کشورهای عضو فعالیت می‌کند (EUROJUST).

روابط آسه‌آن و شورای همکاری خلیج فارس از همکاری امنیتی از سطح اندک در دهه ۱۹۹۰ به سطح روابط اولیه و نهادینه شده در دهه ۲۰۰۰ پیشرفت کرده است. اولین تماس رسمی میان آسه‌آن و شورای همکاری خلیج فارس در سال ۱۹۹۰ انجام شد. پس از آن در سال ۲۰۰۰، انجمن ملل آسیای جنوب شرقی کمیته آسه‌آن ریاض را برای کمک به توسعه روابط شورای همکاری خلیج فارس و آسه‌آن تأسیس کرد و پس از چندین جلسه در مجمع عمومی سازمان ملل، هر دو سازمان منطقه‌ای در سال ۲۰۰۹ به‌طور رسمی اولین نشست وزرای آسه‌آن و شورای همکاری خلیج فارس را در بحرین برگزار کردند. یکی از نتایج این نشست، چشم‌انداز مشترک آسه‌آن و شورای همکاری خلیج فارس و همچنین انعقاد یک تفاهم‌نامه بود. وزرای امور خارجه آسه‌آن و شورای همکاری خلیج فارس نیز توافق کردند پس از آن هر دو سال ملاقات کنند. دومین نشست وزیران در سال ۲۰۱۰ در سنگاپور برگزار شد و برنامه اقدام دو ساله را تصویب کردند. این نشست به پیشنهاد شورای همکاری خلیج فارس برای ایجاد یک مرکز بین-المللی برای مبارزه با تروریسم صورت گرفت و هر دو سازمان را به تبادل اطلاعات و تجربیات در زمینه مبارزه با تروریسم تشویق کرد (ASEAN, 2012).

روابط امنیتی میان اتحادیه اروپا و آمریکای مرکزی از طریق نظام همگرایی آمریکای مرکزی^۱ از دهه‌های گذشته به‌ویژه با توجه به نگرانی‌های امنیتی پس از پایان جنگ‌های داخلی در منطقه، از حالت اولیه به مرحله پیشرفته تبدیل شده است. اتحادیه اروپا طرحی در مورد امنیت عمومی در آمریکای مرکزی و کارائیب تصویب کرده است که هدف آن ارائه یک راهبرد منسجم و هماهنگ برای امنیت عمومی در منطقه، به ویژه با تمرکز بر حمایت از حقوق بشر و ارتقا اصلاحات است. اتحادیه اروپا از راهبرد امنیتی آمریکای مرکزی مصوب سال ۲۰۱۱ که توسط نظام همگرایی آمریکای مرکزی هماهنگ شده است (و همچنین راهبرد امنیتی کارائیب در سال ۲۰۱۳ توسط جامعه کارائیب به تصویب شده است) همواره حمایت کرده است. راهبرد اتحادیه اروپا سه هدف اصلی دارد:

۱- توسعه بیشتر دستور کار مشترک امنیت عمومی با منطقه؛

1. The Central American Integration System (SICA)

۲- تقویت توانایی دولت‌ها در ارائه خدمات عمومی با کیفیت؛

۳- تقویت همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در زمینه فعالیت‌های عملیاتی به منظور مبارزه با ناامنی در آمریکای مرکزی و کارائیب (European Commission, 2014). مورد دیگر همکاری سطح پیشرفته، روابط اتحادیه اروپا و جامعه اقتصادی کشورهای غرب آفریقا^۱ است. این دو سازمان گفتگوهای سیاسی مداوم را در سطح وزرا، با توافق بر سر اولویت‌های سیاسی مانند صلح و امنیت، مبارزه با مواد مخدر و قاچاق مواد مخدر، مسائل مهاجرت و بهبود حاکمیت توسعه داده‌اند. یک انگیزه مهم برای همکاری‌های امنیتی، نقش فزاینده جامعه اقتصادی کشورهای غرب آفریقا در عملیاتی کردن این سیاست‌ها از اوایل دهه ۱۹۹۰ است. جامعه اقتصادی کشورهای غرب آفریقا یک گروه برای پیگیری آتش بس^۲ (گروه نظارت بر جامعه اقتصادی کشورهای غرب آفریقا) ایجاد کرد و در اوت ۱۹۹۰ مأموریت نظارتی را در لیبیا مستقر کرد. در سال‌های بعد گروه پیگیری آتش بس در سال ۱۹۹۸ مجدداً در سیرالئون مستقر شد و جامعه اقتصادی کشورهای غرب آفریقا در سال ۲۰۰۲ در ساحل عاج مداخله کرد (Nivet, 2006).

۳-۴. روابط امنیتی سازمان منطقه‌ای - گروهی از کشورها

سازمان‌های منطقه‌ای همچنین از طریق سازوکارهای موقت یا مکانیسم‌های گفتگوی بین دولتی فرامنطقه‌ای با گروه‌های دولتی روابط امنیتی برقرار می‌کنند. چندین مشارکت خارجی ناتو در این گروه قرار می‌گیرند. در اجلاس ۲۰۱۰ لیسبون، ناتو یک مفهوم راهبردی جدید تصویب کرد که بر مدیریت بحران و امنیت همکاری به‌عنوان وظایف اصلی در کنار دفاع جمعی^۳ تأکید داشت (NATO, 2014). به همین منظور، ناتو مشارکت با کشورها و سازمان‌های غیر عضو مربوطه را که بر کنترل تسلیحات، خلع سلاح و منع گسترش تسلیحات متمرکز هستند، پیش‌بینی می‌کند. برنامه‌های مشارکت شامل گفتگوی

1. Economic Community of West African States

2. ECOMOG

3. collective defense

مدیترانه‌ای،^۱ ابتکار همکاری استانبول،^۲ شورای مشارکت یورو-آتلانتیک^۳ و مشارکت برای صلح^۴ می‌شود.

ابتکار همکاری استانبول شامل چهار کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس می‌شود و این سازوکار نشست چند جانبه همکاری‌های امنیتی دو جانبه را دنبال می‌کند، هر چند که گاهی جلسات چند جانبه (همکاری در سطح اندک) برگزار کرده است. گفتگوی مدیترانه‌ای نیز مانند ابتکار همکاری استانبول از ساختار دو جانبه با ناتو و هفت شریک فردی مدیترانه پیروی می‌کند. با این حال جلسات منظم چند جانبه با عنوان «ناتو + ۷»^۵ در حاشیه رویدادهای مهم ناتو برنامه‌ریزی شده است و علاوه بر این جلسات پراکنده مشاوره چند جانبه در سطح وزیران و رئیس دفاعی نیز برگزار شده است (NATO, 2015). همکاری‌های امنیتی در سطح ابتدایی شورای مشارکت یورو-آتلانتیک که ۲۸ عضو ناتو و ۲۲ کشور غیر عضو را گرد هم می‌آورد و همچنین جلسات سالانه منظمی در سطح وزرای خارجه یا دفاع و روسای دفاع برگزار می‌کند. همه این ابتکارها به عنوان چتر سیاسی برای همکاری دو جانبه عملی بین ناتو و یورو-آتلانتیک به صورت اختصاصی تحت برنامه مشارکت برای صلح عمل می‌کند. با وجود جلسات منظم در طول نزدیک به دو دهه، سطح همکاری‌های چندجانبه تاکنون بسیار مفید بوده است.

نمونه دیگری از همکاری امنیتی اولیه آسه‌آن به اضافه سه^۶ یا ای. پی. تی^۷ است (محفلی که آسه‌آن با چین، ژاپن و کره جنوبی همکاری دارد). اجلاس‌های آسه‌آن به اضافه سه بطور منظم برگزار می‌شود و موضوعات امنیتی بخشی از یک برنامه همکاری بزرگتر متمرکز بر تبادل اطلاعات است. در اجلاس ۲۰۱۴ آسه‌آن به اضافه سه، طرفین متعهد شدند که همکاری‌ها برای رسیدگی به چالش‌های امنیتی سستی و مدرن در حال ظهور از جمله امنیت سایبری، امنیت دریایی، تروریسم، افراط‌گرایی، مواد مخدر و

1. MD
2. ICI
3. EAPC
4. PiP
5. NATO+۷
6. ASEAN Plus Three
7. APT



قاچاق انسان، قاچاق اسلحه و مدیریت بلایا را تعمیق کنند (ASEAN, 2015). علاوه بر این آسه آن جلسات غیررسمی دیگری با سه گروه منطقه‌ای متفاوت در حاشیه جلسات مجمع عمومی سازمان ملل برگزار می‌کند. این سه گروه منطقه‌ای شامل سازمان همکاری اقتصادی آسه آن،^۱ اتحاد آسه آن - اقیانوس آرام و آسه آن^۲ و جامعه کشورهای آمریکای لاتین و کارائیب^۳ می‌شوند.

نشست آسیا - اروپا^۴ مورد دیگری از همکاری اولیه است. نشست آسیا - اروپا در سال ۱۹۹۶ ایجاد شد و در حال حاضر ۵۳ عضو دارد (بیش از دو برابر ۲۶ نفر اصلی). نشست آسیا - اروپا بستر گسترده‌ای برای نزدیک کردن اروپا و آسیا در مورد تعدادی از موضوعات با اهمیت جهانی فراهم می‌کند و دستور کار امنیتی آن شامل برنامه‌های همکاری گسترده است.

در چهارمین اجلاس سران،^۵ هر دو طرف اعلامیه کپنهاگ در مورد همکاری علیه تروریسم بین‌المللی و برنامه همکاری کپنهاگ در زمینه مبارزه با تروریسم بین‌المللی را تصویب کردند. اقدامات برنامه‌ریزی شده ذیل این برنامه شامل سمینارها و همکاری بیشتر اروپا و آسیا در سازمان ملل در زمینه‌هایی مانند مبارزه با تروریسم، گمرک، امنیت هوایی و دریایی و پولشویی بوده است (ASEM, 2016).

اتحادیه اروپا همکاری امنیتی را با کل آمریکای لاتین دنبال می‌کند، اما این همکاری از طریق یک سازمان منطقه‌ای مستقرانجام نمی‌گیرد. جامعه کشورهای آمریکای لاتین و کارائیب در سال ۲۰۱۱ ایجاد شده است و این جامعه مکانیزمی بین دولتی برای گفتگو و توافق‌نامه‌های سیاسی است و یک سازمان رسمی محسوب نمی‌شود. در بیانیه‌های سیاسی اجلاس‌های اتحادیه اروپا و جامعه کشورهای آمریکای لاتین و کارائیب، دو مورد همکاری مبارزه با قاچاق مواد مخدر و امنیت عمومی برجسته است. سطح همکاری اتحادیه اروپا و جامعه کشورهای آمریکای لاتین و کارائیب بسیار مفید است و شامل تلاش برای تقویت مکانیسم هماهنگی و همکاری اتحادیه اروپا و جامعه

1. ECO
2. PA
3. CELAC
4. ASEM
5. Copenhagen, 2002

کشورهای آمریکای لاتین و کارائیب در زمینه مبارزه با مواد مخدر و ایجاد شبکه‌های بین منطقه‌ای برای ارتقا تبادل تجربیات و بهترین روش‌ها در کاهش تقاضای مواد مخدر از طریق سیاست توسعه و ظرفیت‌سازی است. در زمینه امنیت شهروندی، مراکز همکاری اتحادیه اروپا و جامعه کشورهای آمریکای لاتین و کارائیب بر روی سمینارهای بین دولتی با نگاهی بین منطقه‌ای، برای بخش‌های دولتی و خصوصی، جامعه مدنی و سایر ذینفعان با هدف بهبود گفتگو و همکاری برگزار می‌کنند (EU-CELAC Summit, 2015; Brussels, 2015). یک مورد از همکاری‌های امنیتی نهادینه شده، روابط اتحادیه اروپا و انجمن منطقه‌ای آسه آن^۱ است که در سال‌های اخیر جلسات مشترک منظمی را ایجاد کرده است. نماینده عالی اتحادیه اروپا و معاون رئیس جمهور از سال ۲۰۱۲ در جلسات وزیران انجمن منطقه‌ای آسه آن شرکت کرده است. ابتکارات اخیر اتحادیه اروپا شامل ریاست مشترک (با میانمار) گروه انجمن منطقه‌ای آسه آن درباره اقدامات اعتماد به نفس و دیپلماسی پیش‌گیرانه و گفتگوی مقامات دفاعی مرتبط در سال ۲۰۱۳-۲۰۱۴ است. حمایت مالی مشترک (با بروئی) اولین دوره آموزشی انجمن منطقه‌ای آسه آن در زمینه دیپلماسی پیشگیری و میانجیگری در سال ۲۰۱۴ بود؛ و ریاست مشترک (با فیلیپین) یک کارگاه آموزشی انجمن منطقه‌ای آسه آن در زمینه افزایش آگاهی و ارتقا همکاری انجمن منطقه‌ای آسه آن در زمینه کاهش ریسک دفاع شیمیایی، بیولوژیکی، رادیولوژیکی و هسته‌ای^۲ در سال ۲۰۱۵ بوده است (European Commission, 2015).

سازمان همکاری شانگهای به‌عنوان یکی از سازوکارهای بین منطقه‌ای در ارتباط با سایر سازوکارهای گروهی دولتی است. این سازمان که برآیند نوعی موازنه قدرت شرقی توسط روسیه و چین در برابر غرب و ایالات متحده آمریکا محسوب می‌شود، از نقش مهمی در شکل‌گیری شبکه‌های بین منطقه‌ای در اوراسیا برخوردار است. سازمان پیمان امنیت جمعی، اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سازمان همکاری شانگهای در تلاش هستند که نه تنها از نظر سیاسی به دنبال ایجاد یک ساختار سیاسی و حکمرانی سیاسی - منطقه‌ای باشند، بلکه از این ظرفیت در رابطه با مقیاس حکمرانی جهانی نیز استفاده کنند. نخبگان سیاسی اعضای این سه

1. ARF
2. CBRN

سازمان سعی در معادل‌سازی «بین اوراسیا» به عنوان منطقه‌ای دارند که توسط این سازمان‌های چندجانبه و سایر مناطق تأسیس شده است و به نمایندگی سایر سازمان‌های چندجانبه بین منطقه‌ای ارائه می‌شود. به عبارت دیگر، به عنوان واحدهای استاندارد شده با جایگاهی برابر در «جهان مناطق»^۱ محسوب شوند. به این ترتیب سازمان پیمان امنیت جمعی، اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سازمان همکاری شانگهای اعلام می‌کنند که ساختارها، هنجارها، سازمان‌ها و عملکردهای سیستم بین‌المللی باید مطابق با واقعیت معاصر یک «جهان منطقه‌ای» دوباره تنظیم شود (Kropatcheva, 2016; Peyrouse, 2016). در رابطه با سازمان همکاری شانگهای و عضویت دائم جمهوری اسلامی ایران نیز می‌توان گفت که در آینده امکان شکل‌گیری شبکه بین منطقه‌ای غرب آسیا و خلیج فارس به اوراسیا و شرق آسیا امکان‌پذیر خواهد بود و این امر بر معادلات امنیتی و افزایش هم‌افزایی میان این سازوکارها تأثیر خواهد گذاشت.

۴-۴. روابط امنیتی منطقه‌ای - کشور

بسیاری از سازمان‌های منطقه‌ای تلاش کرده‌اند تا با کشورهایی که از کنش‌گران امنیتی محسوب می‌شوند، در مورد توافق‌نامه‌های امنیتی مذاکره کنند. اتحادیه اروپا، اتحادیه آفریقا و آسه آن همه توافق‌نامه‌های رسمی و غیررسمی با ایالات متحده و یا چین منعقد کرده‌اند، چرا که هر دو به عنوان کشورهای برتر در نظم بین‌المللی از اهرم‌های امنیتی قابل توجهی برخوردار هستند. اگرچه سطح تعامل امنیتی سازمان‌های منطقه‌ای مذکور و این کشورها در سطح‌های نهادینه شده (آسه آن - چین؛ آسه آن - ایالات متحده آمریکا) و پیشرفته (اتحادیه اروپا - چین؛ اتحادیه اروپا - ایالات متحده) قرار دارند، اما انگیزه برای همکاری از طرف اعضای خاص سازمان‌های منطقه‌ای وجود دارد، زیرا آنها روابط نزدیکی با ایالات متحده یا چین دارند.

آسه آن به سمت نهادینه کردن روابط خود با ایالات متحده و چین پیش‌رفته است. ایالات متحده آمریکا اولین کشور غیر عضو آسه آن به ترتیب در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۱۰ سفیری در این سازمان تعیین کرد و مأموریت دیپلماتیک اختصاصی خود را در

1. world of regions

آسه آن (جاکارتا) تأسیس کرد. گفتگوی آسه آن و ایالات متحده آمریکا حول محور نقش ایالات متحده در حفظ صلح و ثبات در منطقه، دریای جنوبی چین و تروریسم است. در مورد دریای جنوبی چین، موضع ایالات متحده آمریکا حل اختلافات ارضی مطابق با هنجارهای بین‌المللی و قوانین بین‌المللی است (U.S. Mission to ASEAN, 2016)

از طرف دیگر، زمانی که چین به عنوان اولین شریک مشورتی و گفتگویی در آسه آن به پیمان دوستی و همکاری پیوست، برنامه مشارکت راهبردی صلح و شکوفایی^۱ را در سال ۲۰۰۳ امضا کردند. علاوه بر این چین در سال ۲۰۱۲ اولین سفیر مقیم خود را در آسه آن منصوب کرد و مأموریت خود را در جاکارتا تأسیس کرد. هر دو طرف در حال اجرای برنامه اقدام ۲۰۱۶-۲۰۲۰ هستند. یکی از عناصر اصلی در دستور کار آسه آن - چین تنش در دریای جنوبی چین است. هر دو طرف در سال ۲۰۰۲ اعلامیه رفتار احزاب در دریای جنوبی چین را امضا کردند و دستورالعمل‌های اجرای آن را در سال ۲۰۱۱ تصویب کردند. آسه آن و چین جلسات رسمی منظمی را برای بررسی امنیت در زمینه‌های مختلف برگزار می‌کنند؛ آنها از زمان تأسیس در سال ۲۰۱۰ تحت همایش وزیران دفاع همکاری داشته‌اند. در مشاوره‌های سالانه بین مقامات ارشد آسه آن در مورد جرائم فراملی^۳ و چین و سایر موارد امنیتی در حال ظهور همکاری‌ها را ارتقا بخشیدند (ASEAN, 2016). به طور کلی همکاری آسه آن - چین و آسه آن - ایالات متحده آمریکا متقارن هستند.

همکاری‌های امنیتی میان اتحادیه آفریقا و اتحادیه اروپا از یک سو و ایالات متحده و چین از طرف دیگر بسیار پیشرفته است. ایالات متحده آمریکا یک دفتر مأموریت در آدیس آبابا افتتاح کرد و چارچوب روابط ایالات متحده و اتحادیه آفریقا بر اساس تفاهم نامه سال ۲۰۱۳ است. وزیر امور خارجه وقت ایالات متحده استدلال کرد که ابتکارات دیپلماتیک و صلح در آفریقا هنگامی که توسط آفریقا هدایت شوند، بهترین نتیجه را خواهند داد. به این معنا که ایالات متحده آمریکا و جامعه بین‌المللی هنوز هم می‌توانند

1. Strategic Partnership for Peace and Prosperity
2. ASEAN Defense Ministers Meeting Plus (ADMM- Plus)
3. Senior Officials Meeting on Transnational Crime (SOMTC)



برای تقویت ثبات در منطقه به اتحادیه اروپا و سایر شرکا کمک و همکاری کنند. به عنوان مثال در سال ۲۰۱۴ در جریان بحران ابولا، رئیس جمهور وقت باراک اوباما ۳۰۰۰ سرباز آمریکایی برای ساخت مراکز درمانی و کمک به آموزش کارمندان بهداشتی اعزام کرد. همچنین در سال ۲۰۱۵ ایالات متحده آمریکا در حمایت از برنامه اتحادیه آفریقا برای ایجاد مرکز آفریقایی برای کنترل بیماری، یک نمونه مرکز کنترل بیماری آفریقایی مطابق مراکز آمریکایی برای کنترل بیماری فراهم کرد.

در مورد چین و اتحادیه آفریقا، برنامه اقتصادی پویای چین در آفریقا دارای یک مؤلفه امنیتی است. بودجه برای ساخت مرکز کنفرانس کمیسیون اتحادیه آفریقا و تأسیس مجتمع اداری به مبلغ ۲۰۰ میلیون دلار در سال ۲۰۱۲ نمادی از همکاری‌ها است. همچنین چین در سال ۲۰۱۵ مأموریت دائمی خود را در اتحادیه آفریقا آغاز کرد و در طی سال ۲۰۱۵ برای همکاری چین و آفریقا که شامل برنامه‌ای برای کمک متقابل است، شی جین پینگ رئیس جمهور چین قول داد ۱۰۰ میلیون دلار برای پشتیبانی از نیروی آماده به کار آفریقا و عملیات حفظ صلح در قاره آفریقا اختصاص دهد (African Union, 2015). به طور خلاصه، روابط اتحادیه آفریقا با چین و ایالات متحده آمریکا قابل توجه و پیشرفته است، اما در عین حال این روابط ناموزون است. پیوندهایی که اتحادیه آفریقا با چین و ایالات متحده آمریکا دارد، به صورت نامتقارن است و نوعی منطق اهدا کننده-گیرنده بر سایر زمینه‌های تعامل برابر غلبه می‌کند.

در مورد همکاری‌های امنیتی اتحادیه اروپا و چین، دستورکار همکاری راهبردی ۲۰۲۰ در اجلاس اتحادیه اروپا و چین که در سال ۲۰۱۳ توافق شد، نوعی سند راهنمای روابط امنیتی محسوب می‌شود. ارتباطات دائمی در حوزه امنیت در سطوح مختلف از اجلاس‌های سالانه گرفته تا جلسات سالانه مدیران سیاسی و کارشناسان در زمینه امنیت بین‌المللی، کنترل تسلیحات، منع گسترش تسلیحات و کنترل صادرات برگزار می‌شود (European Union External Action, 2015). اتحادیه اروپا و چین در مورد نگرانی‌های امنیتی مشترک در سراسر جهان، مانند مورد مذاکرات ایران در قالب ۳+۳، در مورد نگرانی‌های مشترک امنیتی در مورد موضوعات مشترک بحث و هماهنگی کرده‌اند. همچنین از سال ۲۰۱۱، شناورهای چینی کشتی‌های برنامه جهانی غذا را در

خلیج عدن اسکورت می‌کنند. بنابراین چین و اتحادیه اروپا در ایم مسائل تقسیم کار کرده‌اند و هر دو طرف متعهد به افزایش این همکاری هستند. علاوه بر این نیروی دریایی اتحادیه اروپا در عملیات آتلانتا^۱ و نیروی دریایی چین برای اولین بار در سال ۲۰۱۴ تمرین‌های مشترک ضد دزدی دریایی در خلیج عدن برگزار کردند.

در منطقه ترانس آتلانتیک، ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا توافق‌نامه‌ای اصولی در مورد مشارکت ایالات متحده در عملیات مدیریت بحران اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۱ امضا کردند. این توافق امکان ارائه مکانیزم قانونی برای کمک به پرسنل غیرنظامی ایالات متحده در مأموریت‌های اتحادیه اروپا و تقویت گزینه‌های عملی در هماهنگی زمینی ایالات متحده و اتحادیه اروپا در شرایط بحرانی را فراهم کرده است. پرسنل و نیروهای ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا دست در دست هم داده‌اند تا بحران‌های جهانی، به‌ویژه آفریقا را برطرف کنند. به عنوان مثال ایالات متحده آمریکا با مأموریت آموزشی اتحادیه اروپا^۲ (در کشور مالی) شرکت کرد و همچنین در مأموریت اصلاح بخش امنیت اتحادیه اروپا^۳ نیز مشارکت کرد. علاوه بر این همکاری‌ها ایالات متحده آمریکا با اتحادیه اروپا در یک مرکز آموزش لجستیک برای نیروهای امنیتی^۴ همکاری کرده است. از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳، ایالات متحده آمریکا و مأموریت آموزش اتحادیه اروپا برای ارائه آموزش نظامی در اوگاندا به نیروهای امنیت ملی سومالی با هم همکاری کردند. کشتی‌های نیروی دریایی ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا به همکاری با سایر شرکای بین‌المللی برای مبارزه با دزدی دریایی در منطقه شاخ آفریقا ادامه می‌دهند

(Office of the Press Secretary, 2014). ساز و مطالعات فرانسوی

در زمینه تروریسم، همکاری ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا به صورت دو جانبه و چند جانبه، تحت مجمع جهانی از مبارزه با تروریسم،^۵ مقابله با افراط‌گرایی خشونت آمیز تا کمک به پروژه جنگنده‌های خارجی به رهبری هلندی - مراکش تداوم داشته است (Office of the Press Secretary, 2014). بنابراین همکاری‌های اتحادیه

1. ATALANTA
 2. EU Training Mission
 3. EU Security Sector Reform Mission (EUSEC DRC)
 4. DRC
 5. (GCTF)

کنش‌گران دست یابند. البته باید به این نکته توجه شود که در ترسیم این روابط اتحادیه اروپا، به عنوان یک محور اصلی در این روابط محسوب می‌شود. در موارد بررسی شده متوجه شدیم که نوعی منطق اهدا کننده - گیرنده در روابط بین منطقه‌ای مشاهده می‌شود. اغلب احزاب در گفتگوهای سیاسی دوجانبه و چند جانبه در قالب کنش‌گران مهمی مانند اتحادیه اروپا، چین و ایالات متحده شرکت می‌کنند و این همکاری‌های امنیتی بیشتر متمرکز بر اجرای سیاست‌ها و اقدامات آنان در کشورهای در حال توسعه است.

برخلاف ادعای رایج نظریه‌پردازان شبکه، درست است که در شبکه شاهد سلسله مراتب نیستیم، اما در این پژوهش روشن شد که شبکه‌ها هم‌سطح و برابر هم نیستند. وجود مراکز با کنش‌گران مرکزی و همچنین پیوندهای نامتقارن نشان می‌دهد که شبکه از نابرابری در قدرت، قابلیت‌های تعامل و اهرم فشار نابرابر مصون نیست. بنابراین بدیهی است که توانایی‌های مالی و نهادی پیشرفته‌تر در خارج از شبکه ممکن است به یک کنش‌گر کمک کند تا موقعیت شبکه‌ای غالب‌تری از طریق تعداد کل و به‌ویژه لینک‌های خروجی که بتواند حفظ کند، تأمین کند. اگرچه اتحادیه آفریقا به‌عنوان یک واحد شبکه بسیار یکپارچه در ارتباطات بین منطقه‌ای محسوب می‌شود، اما با توجه به منطق اهدا کننده - گیرنده می‌توان گفت که در این ارتباطات اتحادیه آفریقا به‌عنوان گیرنده کمک‌های امنیتی از سایر شبکه‌های منطقه‌ای در روابط بین منطقه‌ای محسوب می‌شود. در این روابط نامتقارن به نظر می‌رسد که اهداف و روند تخصیص منابع از اتحادیه اروپا و ناتو به سایر سازمان‌ها در مناطق در حال توسعه مانند اتحادیه آفریقا، بر تقویت ظرفیت سازمان‌های دریافت کننده در این مناطق به منظور تأمین امنیت متمرکز است. در کل می‌توان نتیجه گرفت که وضعیت بین منطقه‌گرایی در دوره پس از جنگ سرد به‌عنوان یک متغیر علی توانسته است بر همکاری و رقابت‌های امنیتی میان کنش‌گران تأثیر ژرفی بگذارد و شاهد شکل‌گیری مجموعه پیوندهای امنیتی بین منطقه‌ای در الگویی پیچیده و پویا هستیم. بنابراین در نتیجه‌گیری این پژوهش باید به این نکته اشاره شود که با آغاز موج بین منطقه‌ای جدید شاهد تغییرات مهمی در محیط امنیتی و مقوله امنیت هستیم. امنیت بین‌الملل به دلیل افزایش پیچیدگی‌ها و در هم تنیدگی شبکه‌های بین

منطقه‌ای با افزایش کنش گران متنوع، تحت تأثیر قرار گرفته است. نیاز به هم‌افزایی در تامین امنیت در ابعاد بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی یکی از تأثیرات مهم بین منطقه‌گرایی جدید بر مقوله امنیت بین‌المللی محسوب می‌شود.

منابع

حسینی، سیده لطیفه (۱۳۹۴)، «نقش منطقه‌گرایی در حفظ صلح و امنیت منطقه‌ای: با تاکید بر نقش سازمان همکاری اسلامی در منطقه خاورمیانه»، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، دوره ۲، شماره ۳، صص ۵۰-۲۹.

مصفا، نسرين. نوروزی، حسین (۱۳۹۳)، «مدیریت محیط امنیتی و افق منطقه‌گرایی در سارک»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۴، شماره ۳، صص ۶۴۲-۶۲۵.

African Union (2015), "The People's Republic of China Extends Financial Support to the African Union Mission in Somalia," African Union Press Release. Available at: www.peaceau.org/uploads/auc-com-chinese-contribution-10-12-2015.pdf (accessed: December 10, 2016).

African Union (2016), "Press Statement of the Peace and Security Council of the African Union AU," 586th Meeting. PSC/PR/BR. (DLXXXVI), March 31. ASEAN (2012), "Overview of Relations between ASEAN and GCC," Association of Southeast Asian Nations. Available at: www.asean.org/?static_post=overview-of-relations-between-asean-and-gcc (accessed: May 21, 2016). ASEAN (2015) Annual Report 2014-2015. Jakarta: ASEAN Secretariat.

ASEAN (2016), "Overview of ASEAN-China Dialogue Relations," Association of Southeast Asian Nations. Available at: http://asean.org/?static_post=overview-asean-china-dialogue-relations (accessed: May 1, 2017).

ASEM (2016), "Political Pillar," ASEM InfoBoard. Available at: <http://aseminfoboard.org/content/political-pillar> (accessed: May 13, 2016).

BBC (2012), "African Union Opens Chinese-funded HQ in Ethiopia," BBC News. Available at: www.bbc.com/news/world-africa-16770932 (accessed: May 31, 2016)

Available at: www.nato.int/cps/en/natohq/topics_60021.htm? (accessed: June 9, 2016).

Baert, F., Scaramagli, T., & Söderbaum, F. (2014), Intersecting interregionalism. *Global Governance and the EU*.

Biermann, F., & Pattberg, P. (2008), Global environmental governance: Taking stock, moving forward. *Annual Review of Environment and Resources*, 33, 277-294.

Chaban, N., Elgstrom, O., & Holland, M. (2006), European Union as Others See It, *The Eur. Foreign Aff. Rev.*, 11, 245.

- Conley, J. M., & Williams, C. A. (2011), Global banks as global sustainability regulators? : The equator principles. *Law & Policy*, 33(4), 542-575.
- EU NavFor (2014), "EU Naval Force and Chinese Navy Warships Work Together in Counter Piracy Exercise at Sea in Gulf of Aden," European Union External Action Service. Available at: <http://eunavfor.eu/eu-naval-force-and-chinese-navy-warships-work-together-in-counter-piracy-exercise-at-sea-in-gulf-of-aden/> (accessed: May 30, 2016).
- EU-CELAC Summit 2015 Brussels (2015), "EU-CELAC Action Plan," European Commission. Available at: https://ec.europa.eu/research/iscp/pdf/policy/eu-celac_action_plan_2015.pdf (accessed: May 1, 2017).
- European Commission (2014), "Joint Communication to the European Parliament and the Council. Elements for an EU Strategy on Public Security in Central America and the Caribbean," JOIN (2014) 21 final-2. Brussels: EUR-Lex.
- European Commission (2015), "Joint Communication to the European Parliament and the Council. The EU and ASEAN: A Partnership with a Strategic Purpose," JOIN (2015), 22 final. Brussels: EUR-Lex.
- European Union External Action (2015) "EU Relations with China," European Union External Action Service. Available at: https://eeas.europa.eu/china/index_en.htm (accessed: May 30, 2016).
- Gratius, S. (2018), Brazil and the European Union: from liberal inter-regionalism to realist bilateralism. *Revista Brasileira de Política Internacional*, 61.
- Hafner-Burton, E. M., Kahler, M., & Montgomery, A. H. (2009), Network analysis for international relations. *International organization*, 63(3), 559-592.
- Hänggi, H. (2000). Interregionalism: empirical and theoretical perspectives. *St. Gallen, University of St. Gallen*, 1-14.
- Kropatcheva, E. (2016), Russia and the collective security treaty organisation: Multilateral policy or unilateral ambitions?. *Europe-Asia Studies*, 68(9), 1526-1552.
- NATO (2014), "Partnerships: A Cooperative Approach to Security," North Atlantic Treaty Organization. Available at: www.nato.int/cps/en/natohq/topics_84336.htm?selectedLocale=en (accessed: June 10, 2016).
- NATO (2015), "NATO Mediterranean Dialogue," North Atlantic Treaty Organization
- NATO (2016), "Assistance to the African Union," North Atlantic Treaty Organization. Available at: www.nato.int/cps/en/natohq/topics_8191.htm (accessed: May 24, 2017).
- NATO (2016a), "Relations with the European Union," North Atlantic Treaty Organization. Available at: www.nato.int/cps/en/natolive/topics_49217.htm (accessed: June 9, 2016).
- NATO (2016b), "Relations with the OSCE," North Atlantic Treaty Organization. Available at: www.nato.int/cps/en/natohq/topics_49911.htm (accessed: June 10, 2016).

- Nivet, B. (2006), "Security by Proxy? The EU and (Sub-)Regional Organisations: The Case of ECOWAS," European Union Institute for Security Studies (EUISS) Occasional Paper, 63, pp. 1-39.
- Nugent, N., & Rhinard, M. (2015), *The european commission*. Macmillan International Higher Education.
- OAS (2016), "OAS Cooperation with International Organizations," OAS Department of International Affairs. Available at: www.oas.org/en/ser/dia/institutional_relations/documents/OAS_Cooperation_with_International_Organizations.pdf (accessed: April 24, 2017).
- Office of the Press Secretary (2014), "Fact Sheet: U.S.-EU Cooperation on Common Security and Defense Policy," The White House President Barack Obama. Available at: <https://obamawhitehouse.archives.gov/the-press-office/2014/03/26/fact-sheet-us-eu-cooperation-common-security-and-defense-policy> (accessed: May 20, 2017).
- Office of the Press Secretary (2014a), "Fact Sheet: U.S.-EU Counterterrorism Cooperation," The White House President Barack Obama. Available at: <https://obamawhitehouse.archives.gov/the-press-office/2014/03/26/fact-sheet-us-eu-counterterrorism-cooperation> (accessed: May 20, 2017).
- Peyrouse, S. (2016), Discussing China: sinophilia and sinophobia in Central Asia. *Journal of Eurasian Studies*, 7(1), 14-23.
- Reichard, M. (2016), *The EU-NATO relationship: a legal and political perspective*. Routledge.
- Rüland, J. (2014), Interregionalism and international relations: reanimating an obsolescent research agenda? . In *Intersecting interregionalism* (pp. 15-35). Springer, Dordrecht.
- Tardy, T. (2016), "The EU and Africa: A Changing Security Partnership," European Union Institute for Security Studies (EUISS) Brief, 5, pp. 1-4.
- U.S. Mission to ASEAN (2016), "On-the-Record Press Call by Ben Rhodes, Deputy National Security Advisor for Strategic Communications, and Dan Kritenbrink, Senior Director for Asian Affairs, on the U.S.-ASEAN Summit," The White House Washington. Available at: <https://asean.usmission.gov/on-the-record-press-call-on-the-u-s-asean-summit/> (accessed: May 29, 2017).
- UNASUR (2016), "European Union and UNASUR Will Work Together to Take Agreements in Regards to the Drug Policy to UNGASS 2016," Prensa y Relaciones Institucionales. Available at: <http://unasursg.org/en/node/611> (accessed: May 29, 2017).